

Realism from a Literary School to Societal Reflection in Literature

Pathology of Realism Research in Persian Literary Papers

Hashem Sadeghi mohsenabad*

Abstract

The present study aimed to analyze the fundamental shortcomings of the papers written on the subject of realism in the Persian literature. To do so, first the number of such papers published in the national academic journals were determined. Then, the findings of such papers were compared against the realistic fundamentals and principles and the opinions of realists. The papers under study were divided under three categories: the first category consisted of those papers that studied realism and its features theoretically. The second category was related to those papers that investigated the realistic fundamentals and principles in a Persian literary work or in a writer's literary collection. The third category referred to those papers that investigated the realistic features in the literary works comparatively. The results of the study revealed that due to the lack of deep investigation into the theoretical and philosophical foundations of realism, some fundamental mistakes have appeared in the papers, including the reduction of realism to story elements, the societal reflection in literary works, and the lack of differentiation between the different meanings of realism (as a school, a story writing style, etc.).

Keywords: Realism, Literary School, Story Writing Style, Objectivity, Societal Reflection.

* assistant professor, Persian literature, university of neyshabur, sadeghi.hashem62@gmail.com

Date received: 02/02/2021, Date of acceptance: 22/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

رنالیسم از مکتب ادبی تا بازتاب اجتماعیات در ادبیات آسیب‌شناسی رنالیسم پژوهی در مقالات ادبی حوزه زبان فارسی

هاشم صادقی محسن آباد*

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تبیین کاستی‌های بنیادین مقالاتی است که در باب رنالیسم در حوزه زبان فارسی به‌نگارش درآمده‌اند. به‌این‌منظور، در گام نخست مقالاتی که در نشریات دانشگاهی کشور در باب رنالیسم منتشر شده و مدعی بررسی اصول رنالیستی در متون ادبی بوده‌اند احصا شده است. سپس، مطالب و یافته‌های این مقالات در مقایسه با مبانی و اصول رنالیسم و آرای رنالیست‌ها سنجش شده‌اند. مقالات موردبررسی در این پژوهش ذیل سه گروه قابل‌دسته‌بندی است: دسته اول مقاله‌هایی است که در آن‌ها رنالیسم و ویژگی‌های آن به‌لحاظ نظری بررسی شده‌اند؛ دسته دوم مقالاتی است که در آن‌ها اصول و مبانی رنالیسم در یک اثر ادبی فارسی یا مجموعه‌ای از آثار یک نویسنده نشان داده شده‌اند؛ دسته سوم آثاری است که در آن‌ها شاخصه‌های رنالیستی در آثار ادبی به‌صورت تطبیقی واکاویده شده‌اند. نتایج بررسی نشان از آن دارد که، به‌دلیل عدم توغل در مبانی نظری و بنیان‌های فلسفی، فروکاستن رنالیسم به عناصر داستان یا بازتاب اجتماعیات در اثر ادبی، و عدم تمایز میان معانی رنالیسم (مکتب ادبی، سبک داستان‌نویسی، و ...)، خطاها و کاستی‌هایی بنیادین به مقالات رنالیسم‌پژوهی فارسی راه یافته است.

کلیدواژه‌ها: بازتاب اجتماعیات، رنالیسم، سبک داستان‌نویسی، عینیت، مکتب‌های ادبی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه نیشابور، sadeghi.hashem62@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

رنالیسم از اصطلاحاتی است که در باب تعریف آن اتفاق نظری میان محققان وجود ندارد. در این میان، همگان بر سر سیالیت معنای رنالیسم و دشواری تعریف دقیق و روشن آن توافق دارند.^۱ کاربرد اصطلاح رنالیسم در بافت‌های متفاوت زندگی روزمره و مباحث علمی از یک سو و معنایی مختلف آن در حوزه‌های متفاوت فلسفی، هنری، و ادبی از دیگر سو ابهام و انعطاف‌پذیری معنای آن را دوچندان کرده است. رنالیسم، به‌خاطر هم‌سانی واژگانی و معنایی با واقعیت و حقیقت، به مباحث فلسفی راه یافته است. ولک نشان داده است که مفهوم رنالیسم از دیرباز با معنایی متفاوت از مقاصد امروزی رواج داشته است. مفهوم رنالیسم نخست در تقابل با نام‌گرایی (nominalism) و در قرن هجدهم در تقابل با آرمان‌گرایی (idealism) به کار رفته است (Wellek 1969: 3). افزون‌براین، مفهوم رنالیسم با مجموعه‌ای از مفاهیم ارتباطی تنگاتنگ دارد که آن‌ها نیز تعریف روشن و محصلی ندارند: «امر واقع»، «حقیقت»، «واقع‌گرایانه»، و «واقعی». گاه از این واژه‌ها تقریباً همان معنی واقع‌گرایی اراده می‌شود و گاه در معنایی مخالف به کار بسته می‌شوند (Pam 2005: 2).

رنالیسم در ادبیات، پیش و بیش از هر چیز، با جنبش ادبی قرن نوزدهم پیوند یافته است. مشخصه‌های نوشتار رنالیستی در گام نخست در تقابل با رمانتیسم تعریف و بر تقابل میان تخیل و واقعیت استوار شده است. رنالیسم، به‌مثابه سبکی از داستان‌نویسی، پس از قرن نوزدهم در کنار دیگر جریان‌های ادبی تا زمان حاضر استمرار داشته است.

اصطلاحات واقعیت‌گرایی و دیگر مفاهیم وابسته به آن هم‌راه با اندیشه‌های نوزایی در دوران مشروطه وارد گفتمان ادبی و انتقادی ایران شد و تأثیرهایی، هرچند اندک، در نگرش و نگارش واقع‌گرایانه در نظام ادبی ایران برجای گذاشت. به‌درستی مشخص نیست که نخستین بار چه کسی از این مفاهیم در بافت زبان فارسی سخن به‌میان آورده است، اما بررسی اجمالی آثار دوره مشروطه و پهلوی روشن می‌سازد که واقع‌گرایی و دیگر اصطلاحات وابسته به آن، به‌ویژه رنالیسم سوسیالیستی، هم در محافل روشن‌فکری هم در مباحث ادبی، محمل‌گفت‌وگوهای فراوان بوده و نوشتارهای کوتاه فراوانی در باب رنالیسم سوسیالیستی در جراید و نشریات آن دوران منتشر شده است که هم به سویه زیبایی‌شناختی هم به ساحت ایدئولوژیک آن نظر داشته‌اند. یکی از بحث‌های محوری در نخستین کنگره نویسندگان ایران نیز به رنالیسم و ادبیات متعهد معطوف بوده است.

در دهه‌های اخیر در نشریات علمی - پژوهشی مقالات متعددی در باب رنالیسم/ واقع‌گرایی در هنر و حوزه‌های مختلف علوم انسانی (فلسفه، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، ادبیات، و ...) به‌نگارش درآمده‌اند. هدف از پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مقالات رنالیسم در پژوهش‌های ادبی است. بررسی‌ها نشان از آن دارد که پاره‌ای از بدفهمی‌ها، سطحی‌نگری، و برداشت‌های تقلیل‌گرایانه از شاخصه‌های رنالیسم بدین مقالات راه یافته است. نگارنده در پژوهش حاضر کوشیده است تا شماری از مهم‌ترین نقص‌ها و کاستی‌های این مقالات را نشان دهد.

دامنه پژوهش حاضر صرفاً محدود به مقالاتی است که رنالیسم را در مطالعات ادبی به‌کار بسته‌اند، اعم‌از این‌که رنالیسم را به‌صورت نظری و تاریخی واکاویده‌اند یا خوانشی مبتنی بر اصول و ویژگی‌های رنالیسم از آثار ادبی به‌دست داده‌اند. در مجموع، حدود ۴۶ مقاله پژوهشی با موضوع رنالیسم در مطالعات ادبی نگاشته شده که اصطلاح رنالیسم/ واقع‌گرایی در عنوان آن‌ها قید شده است.^۲ مجموع این مقالات ذیل سه گروه قابل‌دسته‌بندی است: دسته اول مقاله‌هایی است که در آن‌ها ویژگی‌های نظری رنالیسم بررسی شده‌اند؛ دسته دوم مقالاتی است که در آن‌ها اصول و مبانی رنالیسم در یک اثر ادبی فارسی یا مجموعه‌ای از آثار یک نویسنده پی گرفته شده‌اند؛ دسته سوم آثاری است که در آن‌ها ویژگی‌های رنالیستی در یک اثر فارسی با یک اثر غیرفارسی یا فارسی به‌صورت تطبیقی واکاویده شده‌اند.

در بررسی آسیب‌شناسی مقالات رنالیسم، کاستی‌های فراوان، اعم‌از انتشار مقالات تکراری^۳، عدم رعایت امانت^۴، و بدفهمی‌های نظری^۵، قابل‌استخراج است. اما، پیش از ورود به بحث و آسیب‌شناسی مقالات، ذکر چند نکته ضروری می‌نماید: نخست این‌که در این پژوهش صرفاً به مقالاتی خواهیم پرداخت که کاستی کاربست یا خوانش رنالیستی در آن‌ها نمود برجسته‌تری داشته است؛ دیگر این‌که در این پژوهش کاستی‌های فراگیری بررسی شده‌اند که در مقالات متعدد قابل‌استحصاف بوده‌اند.

۲. تغافل از مبانی نظری و بنیان‌های فلسفی رنالیسم

رنالیسم از بطن تحول سنت اندیشگانی قرن هجدهم سر برآورد و در بستری تکوین یافت که استیلای متافیزیک و دانش عقلانی بر ادراک حسی و دریافت واقعیت به‌چالش کشیده شده بود. «رنالیسم، به‌طور ویژه، با آشکال سکولار و عقلانی دانش پیوند یافته است که سنت روشن‌گری را برمی‌سازند؛ سنتی که در رشد درک علمی قرن هجدهم ریشه داشت»

(9: ibid.). اصول و مبانی رئالیسم ادبی برپایه اندیشه‌ای بنیان نهاده شده است که شناخت واقعیت و اکتساب دانش تجربی درباب پدیده‌های عینی و اجتماعی را از طریق بازنمایی جزئیات محسوس و عینی قابل حصول می‌پندارد.

در مقالاتی که در زبان فارسی درباب رئالیسم نگاشته شده‌اند غالباً مؤلفه‌های رئالیستی بدون غور و تدقیق در بنیان‌های فلسفی آن صرفاً به‌مثابه ویژگی‌های ادبی به مطالعه گرفته می‌شوند. توصیف جزئیات، مشاهده، عینیت، و ... ویژگی‌های رئالیستی برشمرده می‌شوند، اما نخستین پرسش‌هایی که درباب پشتوانه فلسفی این مؤلفه‌ها در ذهن مخاطب سر برمی‌آورند بدون پاسخ می‌مانند: چرا جزئیات به‌جای کلیات نشست و به‌عنوان یکی از مشخصه‌های بنیادین رئالیسم درآمد؟ عینیت و مشاهده متأثر از کدامین بینش فلسفی و اندیشگانی به ساحت ملاک شناخت و ارزیابی متون ادبی پای نهاد؟ آرای فلسفی پشتوانه این مؤلفه‌ها در تناظر با کدام آرای فلسفی و بازنمودهای ادبی آن قرار داشت؟

توصیف جزئیات در مقالات متعدد جزو اصول رئالیستی بررسی شده یا شواهدی از توصیف جزئیات از متن رمان‌ها برای اثبات رئالیستی بودن آن‌ها برکشیده شده است (مسبوق و دیگران ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۳۶؛ حیدری و حاتمی تل مارانی ۱۳۹۵: ۴۴؛ مجیدی و رستمی ۱۳۹۲: ۷۹)، اما به‌ندرت ارتباط جزئیات با زیربنای فکری و اندیشگانی رئالیسم پی گرفته شده است. رجحان کلیات ثابت و لایتغیر قرن‌ها تحت‌تأثیر آرای افلاطون بر ادبیات سیطره داشت تا آن‌جاکه یکی از مؤلفه‌های جنبش کلاسیسم به‌شمار می‌رفت. از نظر افلاطون، جزئیات محسوس نمی‌توانند متعلقات معرفت حقیقی باشند. شناخت حقیقی فقط به مسائل کلی تعلق می‌گیرد که ثابت و پایدار باشند (کاپلستون ۱۳۸۰: ۱۷۹)، اما درمقابل رمان رئالیستی، که مقارن و هم‌زاد فهم مادی‌گرایانه مدرن از واقعیت است، به‌جای حقایق ثابت و جهان‌شمول مبتنی بر آرمان‌گرایی، متأثر از دیدگاه‌های تجربه‌گرایانه، حقیقت را در امور جزئی و خاص می‌بیند (Pam 2005: 3). ایان وات‌گرایش به جزئیات در ادبیات رئالیستی را، به‌طور مشخص، متأثر از ره‌یافت‌های روان‌شناختی هابز و لاک دانسته است (وات ۱۳۸۶: ۲۳).

در مقالات متعدد، به‌صورت توصیفی، به اصل مشاهده در داستان رئالیستی اشاره شده (رادفر و حسن‌زاده میرعلی ۱۳۸۳: ۳۰؛ اویسی کهخا و فرهادی ۱۳۹۴: ۱۳-۱۴) یا در این مقالات، در گامی فراتر، اصل مشاهده درتقابل با دیدگاه‌های رمانتیسم سنجیده شده است: «به‌طورکلی رئالیسم در درجه اول طرف‌دار کشف و بیان واقعیتی است که رمانتیسم یا به آن

توجهی نداشت و یا آن را فسخ می‌کرد. نبوغ نویسنده رنالیست در خیال‌بافی نیست، بلکه در مشاهده و دیدن واقعیت‌های موجود است» (فرضی و امانی آستمال ۱۳۹۱: ۱۳۷). اما نویسندگان غالباً تغییر در نگرش‌های فلسفی را پی نگرفته‌اند که به مشاهده برای درک و شناخت حقیقت اصالت بخشید و، به تبع آن مشاهده، به‌عنوان مشخصه‌ای تعیین‌کننده، به ساحت هنر و ادبیات ورود یافت. درحالی‌که، طی قرون متمادی، مشاهده برای شناخت حقیقت معتبر دانسته نمی‌شد، تجربه‌گرایی مشاهده را به‌عنوان ابزار معتبر در فهم و شناخت واقعیت برمی‌کشد. در این میان، گویا فرانسیس بیکن، بیش از دیگران، بر اصالت مشاهده برای شناخت و درک حقیقت تأکید داشته است. «انسان چون خادم و مفسر طبیعت است، لاجرم، فقط تاحدودی می‌تواند از آن سر دربیورد که جریان آن را در عمل یا در نظر مشاهده کرده باشد و در فوق این نه چیزی می‌داند و نه چیزی می‌تواند» (بیکن به‌نقل از صادقی محسن آباد ۱۳۹۳: ۴۸).

در باب شخصیت نوعی در داستان‌های رنالیستی، نویسندگان مقالات فارسی به نقل قول‌هایی از لوکاج بسنده کرده‌اند که ابداع شخصیت نوعی را جزو مشخصه‌های اصلی داستان‌های رنالیستی می‌داند؛ شخصیتی که وجود او کانون هم‌گرایی و تلاقی همه عناصر تعیین‌کننده‌ای می‌شود که در یک دوره تاریخی مشخص، از نظر انسانی و اجتماعی، جنبه اساسی دارد (خاتمی و تقوی ۱۳۸۵: ۱۰۲؛ پروینی و دیگران ۱۳۹۱: ۵۷)، اما غالباً دلیل ابداع شخصیت نوعی و کارکرد آن در داستان رنالیستی را به پرسش نگرفته‌اند.

هنگامی که نویسنده‌ای در اثر خود، به‌جای یک شخصیت دارای فردیت، یک تیپ را هدف انتقاد قرار می‌دهد، درحقیقت، از اوضاع اجتماعی خاصی انتقاد می‌کند که باعث پیدایش این تیپ شده است. به‌اعتقاد نویسندگان تیپ‌ساز، هنگامی که شمار دارندگان یا عاملان یک عیب یا کاستی آن‌قدر زیاد می‌شود که می‌توان از آن‌ها تیپ ساخت، یعنی به‌صورت یک چهره جمعی که خواننده یا بیننده اثر بتواند نمونه‌های آن را در زندگی روزمره خود بازشناسد، پس حتماً اوضاع نابه‌سامان بر جامعه حکم فرماست که موجب پیدایش این عیب در شمار زیادی از افراد می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، جامعه علت است و افراد یا تیپ‌ها معلول (کریمی مطهر و اکبرزاده ۱۳۹۲: ۶۵-۶۶).

ریشه‌یابی نکردن مؤلفه‌های رنالیستی را در بحث جامعه‌گرایی نیز می‌توان نشان گرفت. جامعه‌گرایی رنالیسم معمولاً به تقابل با فردگرایی رمانتیسم فروکاسته شده است. حال آن‌که جامعه‌گرایی رنالیسم هرچند در تقابل با فردگرایی رمانتیک قرار می‌گیرد، اساس این تقابل در

تحولات سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب فرانسه و طرح دیدگاه «هنر برای جامعه» ریشه دارد (قرلسفی ۱۳۸۸: ۱۷۷-۱۸۲). توجه رئالیسم به جامعه معاصر نیز در تقابل با نگاه معطوف به گذشته در جنبش‌های ادبی پیشین است. هنرمندان کلاسیک هنر و ادبیات یونان و روم قدیم را سرلوحه کارشان قرار داده بودند و از قواعد ثابت و لایتغیر برگرفته از ادبیات روم و یونان قدیم، به‌ویژه آرای ارسطو، تبعیت می‌کردند. در مکتب رمانتیسم، هرچند هم‌چون کلاسیسم تقید و الزام تقلید از دوره‌ای مشخص وجود ندارد، عطف توجه به آثار قرون وسطی در آثار رمانتیک‌ها پُرفروغ بوده است.

بررسی مقالات فارسی در باب رئالیسم نشان از آن دارد که نویسندگان غالباً مؤلفه‌های رئالیستی را به ویژگی‌های ادبی معطوف به متن فروکاسته‌اند و، فراتر از احصای شواهد رئالیستی از رمان‌های فارسی، در پی تبیین دلیل وجودی این مؤلفه‌ها بر نیامده‌اند. این ساده‌سازی و عدم استقصای پشتوانه‌های فلسفی درحالی است که در این مقالات از مشهورات بدیهی به تکرار سخن به میان آمده است.

۳. فروکاستن رئالیسم به عناصر داستان یا به بازتاب اجتماعیات

یک از ایرادات بنیادین مقالات مربوط به رئالیسم در زبان فارسی ناظر به جدایی‌افکندن میان صورت و محتوای آثار ادبی است که گاه پژوهش‌های منتشرشده را تا حد یافتن شواهد صوری در متن فرومی‌کاهد. در یک سوی این دست پژوهش‌ها، مقالاتی قرار دارند که رئالیسم را به استخراج صوری عناصر داستان تقلیل می‌دهند و در دیگر سو مقالاتی که استحصال اجتماعیات در متن ادبی را هم‌سنگ و معادل بررسی رئالیسم می‌انگارند.

پُربسامدترین مضامین مقالاتی که صرفاً به فرم اثر به‌مثابه رئالیسم نظر دارند عبارت‌اند از: شخصیت‌پردازی، زمان و مکان، پیرنگ، توصیف جزئیات، و زبان، که گاه این بررسی‌های فرمی از توصیف عناصر داستان فراتر نمی‌روند (ازباب مثال، بنگرید به رضایی و رستمی ۱۳۹۱). مثلاً، استفاده از زبان محاوره شاخصه نثر رئالیستی در نظر گرفته می‌شود: «نویسنده در موقعیت‌های مقتضی، که به تشریح و توصیف دیالوگ‌های اشخاص داستان می‌پردازد، از بیان سبک قلم خارج شده، به نثر محاوره و طرز گفتار شخصیت‌های اثر روی می‌آورد» (رنجبر و دیگران ۱۳۹۶: ۱۱۰). سپس، براساس همین زمینه‌سازی کوتاه، نقل‌قولی از رمان به‌عنوان شاهد و سندی بر مدعای رئالیستی‌بودن در ساحت زبانی اقامه می‌شود. اگر

برکشیدن شواهدی از کاربرد زبان محاوره یگانه ملاک رنالیستی بودن رمان در کاربرد زبان قلمداد شود، این میزان از کاربرد زبان محاوره را در همه زیرگونه‌های رمان (اعم از رنالیستی، مدرن، پست‌مدرن، و ...) نیز می‌توان نشان گرفت، زیرا بسیاری از ویژگی‌هایی که به‌عنوان ویژگی رنالیستی رمان را از انواع سنتی پیشامدرن متمایز می‌ساخت به‌عنوان ویژگی‌های نوعی رمان درآمده و در همه انواع رمان به‌کار بسته شده است. به‌عبارت‌دیگر، به‌هنگام تعیین ویژگی آثار رنالیستی، باید این سؤال را پیش چشم داشت که آیا ویژگی‌هایی که وجه تفارق رمان درمقابل انواع پیشامدرن است به همان میزان رمان رنالیستی را از دیگر انواع رمان نیز متمایز می‌کند؟ آیا می‌توان براساس نوع زبان تمایز معناداری میان اثر رنالیستی یا ناتورالیستی برقرار کرد؟ گاه نیز در برخی مقالات زبان محاوره و لهجه‌ها نه به‌عنوان مشخصه فرمی، بلکه ذیل بازتاب مسائل فرهنگی بررسی شده است (سالمیان و دیگران ۱۳۹۲: ۲۸).

مشخصه نثر در داستان رنالیستی به استفاده از زبان محاوره و عامیانه محدود نیست و باید مجموعه ویژگی‌های زبانی را ملاک بررسی قرار داد. محققان تکنیک رنالیسم در استفاده از زبان را سنت‌شکنانه دانسته‌اند (Levin 1963: 62). رنالیست‌ها از صور بلاغی و عناصر شاعرانه احتراز می‌کردند و زیبایی بلاغی، که قرن‌ها معیار ادبیت محسوب می‌شد، در نوشتار رنالیستی به کناری نهاده شد. «فقر رمان در زمینه سنن صوری ظاهراً بهایی است که می‌بایست برای رنالیسمش پردازد» (وات ۱۳۸۶: ۱۸). نثر شفاف و خالی از پیرایه‌ها و صنایع بلاغی در آثار منتشرشده در زبان فارسی درباب رنالیسم به تواتر به‌لحاظ نظری تبیین شده و حسین پاینده این مشخصه را با نام «شفافیت روایی در برابر فصاحت بلاغی» (۱۳۸۹: ۷۳) صورت‌بندی کرده است. باوجوداین، گاه کاربرد صنایع بدیعی و بیانی جزو مؤلفه‌های رنالیستی در نظر گرفته شده است: «تردیدی نیست که هر اثر داستانی، به‌ویژه رمان، دارای نمودهایی از انواع صنایع بدیعی و بیانی در درون خود است. آرایه‌هایی مانند تشبیه، استعاره، کنایه، عناصر خیال، و ... که هنرمند رنالیست با کاربست ظریف هرکدام در موقعیت‌های لازم به آفرینش هر داستان می‌پردازد» (مهری بیگدیلو و دیگران ۱۳۹۶: ۱۴۰).

احتراز از به‌کار بستن صور بلاغی با عناوین متفاوت «شعرستیزی»، «نفرت از شعر»، و ... در مقالات متعددی طرح شده و شواهد مؤید آن از آثار متفاوت احصا شده است، اما غالب این مقالات به ارائه شاهد بسنده می‌کنند و کم‌تر در پی چرایی و علت‌یابی اصول

رنالیستی برمی‌آیند. برای مثال، چرا رنالیسم از شاعرانگی کلام اجتناب می‌ورزد؟ این مؤلفه چه نسبتی با مفاهیم و انگاره‌های بنیادین رنالیسم برقرار می‌کند؟ پرسش‌هایی از این دست به‌ندرت در نوشتارهای فارسی پیش روی محققان سر برمی‌آورند و غالباً نیز بدون پاسخ و بررسی رها می‌شوند یا اگر تلاشی اندک برای معنادار کردن مؤلفه‌ها در ارتباط با اصول رنالیسم انجام می‌پذیرد، چون پاسخ‌ها ارتباط معناداری با اصول و مبانی رنالیسم پیدا نمی‌کند، خود سلسله‌سؤالات بی‌پاسخ دیگری را به‌میان می‌کشد:

تا پیش از طلوع رمان به‌شکل امروزی، ادبیات داستانی به‌صورت سنتی به سبکی نوشته می‌شد که زیبایی‌های عارضی و صنایع بدیعی و لفظی و در یک کلام تصنع‌زبانی از اهمیت بالایی برخوردار نبود، اما در شکل جدید ادبیات داستانی این سنت‌زبانی از میان رفت. شاید یکی از هدف‌های ازین‌بردن این سنت‌زبانی واقع‌گرایی رمان بود، چراکه مقاصد رنالیستی رمان‌نویسان واقع‌گرا چیزی بسیار متفاوت با قالب‌های پذیرفته‌شده نثر ادبی ایجاب می‌کرد؛ یعنی نثری روشن و ساده و به‌دور از هرگونه آرایه‌پردازی، تزئین، و تصنع (سالامیان و دیگران ۱۳۹۲: ۲۸-۲۹).

نگارنده این مقاله تلاش کرده تا عدول از سنت‌زبانی مبتنی بر زیبایی‌های بلاغی را با جست‌وجوی فرم‌های متفاوت از قالب‌های متعارف و اتخاذ نثر روشن و بی‌پیرایه مرتبط سازد. هرچند این تلاش برای دلالت‌مندسازی نثر ساده و بی‌پیرایه رنالیستی در جایگاه خود شایسته توجه است، پاسخ نویسنده سؤالات دیگری را فراروی محقق و مخاطب می‌نهد: چرا رنالیست‌ها دنبال نثر بی‌پیرایه و روشن بوده‌اند؟ درست است که نثر شفاف مخاطبان طبقه متوسط را ذهن دارد، اما افزون‌براین باید توجه داشت که مؤلفه‌های هر جنبش ادبی، نظریه، و ... در ارتباط با کلیت اصول آن قابل‌درک است. به‌همین دلیل، طرد شاعرانگی را باید در ارتباط با دیگر اصول رنالیستی درک کرد.

زبان در رنالیسم به‌گونه‌ای به‌کار گرفته می‌شود که گویی نشانه دنیای واقعی یا حتی هم‌سان با آن است. بنیان این نوع نوشتار بر مطابقت میان دال و مدلول استوار شده است (Coward 2000: 295). رنالیست‌ها برای القای توهم واقعیت و ایجاد رابطه مستقیم میان بازنموده و بازنمایی زبان شاعرانه را به‌کناری نهادند. افزون‌براین، روایت رنالیستی حضور و مداخله راوی را در جریان روایت برنمی‌تابد. شاعرانگی کلام حضور راوی را در پس روایت نمایان می‌کند. بنابراین، با «اصل راوی نامشهود» در داستان رنالیستی در تناقض است. همان‌طور که اکثر در نقد الگوی چتمن بیان کرده است، استفاده از صناعات

ادبی نشانه‌برساختگی متن و حضور راوی است و سبک، به‌ویژه هنگامی که نقش بیانی (expressive function) دارد، صدای راوی را به‌گوش می‌رساند (Aczel 1998: 471-472) علاوه‌بر شاعرانگی، وجود صفت‌ها و قیده‌های ارزش‌گذار مبتنی بر قضاوت و ارزیابی نیز با بی‌طرفی راوی رنالیستی تجانس ندارد (صادقی محسن آباد ۱۳۹۹: ۱۸۲). ارزیابی نثر رنالیستی و بی‌طرفی راوی از منظر صفت و قیده‌های خنثی و خالی از وجهیت ارزش‌گذار، در مقالات فارسی، چندان مطمح‌نظر نبوده و غالب پژوهش‌گران آن را در شمار معیارهای نثر رنالیستی نیآورده‌اند.

باوجوداین که رنالیست‌ها عموماً بر نثر عاری از صنایع بلاغی تأکید ورزیده‌اند، تعدادی از مقالات فارسی رنالیسم را در شعر واکاویده‌اند (رمضانی و دیگران ۱۳۹۵؛ رزاق‌پور و نوش‌آبادی ۱۳۹۱). پُربسامدترین موضوعات این مقالات عبارت‌اند از: بیان واقعیت‌های جامعه، انتقاد از سکوت مردم در برابر استبداد و استعمار، جهل‌ستیزی، خرافات‌ستیزی، حمایت از کارگران و محرومان، نکوهش رابطه‌ارباب و رعیت، انتقاد از حضور بیگانگان، لزوم آزادی زنان، آزادی‌خواهی، انتقاد سیاسی و اجتماعی، دعوت به اتحاد، میهن‌دوستی، و همان‌طور که از مباحث طرح‌شده پیداست، این مقالات فرم را یک‌سره به‌کناری نهاده و رنالیسم را به بازتاب اجتماعیات در اثر ادبی فروکاسته‌اند. بدیهی است که در غالب آثار ادبی، تاحدودی، اجتماعیات منعکس می‌شود، اما حتی در مواردی که بازتاب اجتماعیات عنصر شاخص سبکی آثار باشد نیز صرف انعکاس اجتماعیات به معنای رنالیستی بودن آن‌ها نیست. به‌دیگر معنا، شاید این آثار نگرش واقع‌گرایانه داشته باشند، اما باید نگرش واقع‌گرایانه با شیوه‌ها و تمهیدات نگارش واقع‌گرایانه همراه باشد تا بتوان آن آثار را رنالیستی خواند.

انفکاک صورت و محتوا در مقالات رنالیسم‌پژوهی کاستی‌ها و نواقص متعددی را متوجه این دست پژوهش‌ها کرده است. رنالیسم «دارای یک بُعد زیبایی‌شناسانه و یک بُعد شناختی است که هیچ‌یک را نمی‌توان به‌طور کامل از دیگری جدا کرد» (Pam 2005: 9). ازدیگرسو، درک و تعریف دقیق مؤلفه‌های صوری رنالیسم در گرو ارزیابی ارتباط آن با دیگر عناصر داستانی است. بررسی مؤلفه‌های رنالیستی، بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با دیگر عناصر و بی‌توجهی به اصول و مبانی رنالیستی، پژوهش‌ها را گاه تا حد یک فرمول و کلیشه قالبی فرومی‌کاهد که صرفاً با عوض کردن شواهد برآمده از متن رمان با رمان‌های دیگر در این قالب می‌توان مقالات را به‌سرعت تکثیر کرد، بدون این‌که ساختار مقاله، مطالب، و یافته‌های آن تغییر کند.

۴. عدم تمایز میان رئالیسم به عنوان مکتب ادبی یا سبک داستان نویسی

پیش‌تر در باب دشواری تعریف رئالیسم و ماهیت سیال مفاهیم وابسته به آن سخن رانیدیم. این سیالیت به تعریف رئالیسم و مفاهیم وابسته به آن محدود نمی‌شود و تا دسته‌بندی رئالیسم ذیل اصطلاحات ادبی مختلف فرامی‌رود. برخی محققان رئالیسم را ژانر دانسته و برخی دیگر آن را ذیل سبک‌های داستان‌نویسی دسته‌بندی کرده‌اند. «ایان وات رئالیسم را ... "فرم" می‌خواند و اصطلاح "رئالیسم صوری" را به کار می‌برد؛ آئورباخ از رئالیسم به عنوان "ژانر" یاد می‌کند؛ دنیس والدر نیز در کتاب *رمان رئالیستی فرم* و ژانر را به تناوب به جای هم به کار می‌برد» (صادقی محسن‌آباد ۱۳۹۳: ۴۴).

از دیگر سو، اصطلاح رئالیسم در یک معنا ناظر بر جنبش ادبی قرن نوزدهم است و در یک معنا بر سبکی از داستان‌نویسی اطلاق می‌شود که می‌کوشد جهان را به صورت عینی بازنمایی کند. رئالیسم به معنای سبک از حدود و ثغور یک برهه زمانی مشخص فراتر رفته و همه نویسندگانی را که به این سبک قلم می‌زنند، از نویسندگان رئالیست قرن نوزدهم مانند بالزاک و استاندال تا نویسندگان حال حاضر، در بر می‌گیرد (Schehr 2009: 1-2). در پژوهش‌های منتشر شده به زبان فارسی نیز تمایز رئالیسم به معنای جنبش ادبی معرف قرن نوزدهم و سبک داستان‌نویسی طرح شده است (پاینده ۱۳۸۹: ۲۶-۲۷؛ صادقی محسن‌آباد ۱۳۹۳: ۴۱-۴۴)؛ تا بدان پایه که این تمایز در معنای رئالیسم را می‌توان جزو مشهورات این حوزه قلمداد کرد. با وجود این، عدم تمایز میان این دو معنا و کار بست سبک و مکتب به جای یک‌دیگر در باب رئالیسم فراگیرترین کاستی مقالات رئالیسم‌پژوهی است. غالب مقالات از رئالیسم در رمان فارسی به عنوان جنبش / مکتب ادبی یاد کرده‌اند (برای نمونه، بنگرید به حدادی و رنجبر ۱۳۹۷: ۳۳۰؛ کیومرثی جرتوده ۱۳۸۹: ۷۷، ۸۰؛ حیدری و قرایی ۱۳۹۸: ۸؛ ممتحن و لک ۱۳۹۲: ۱۴۷). این تسامح گاه در مقالاتی به چشم می‌خورد که در بحث‌های مقدماتی به تمایز میان معانی رئالیسم اشاره کرده‌اند. مثلاً، در «بازتاب رئالیسم در رمان *خانه ادیسی‌ها*» نویسندگان، به نقل از پاینده (۱۳۸۹: ۲۶-۲۷)، میان دو معنای خاص و عام رئالیسم، یعنی رئالیسم به عنوان جنبش ادبی قرن نوزدهم و سبک داستان‌نویسی، تمایز قائل شده‌اند (فرضی و امانی آستمال ۱۳۹۱: ۱۳۶). به رغم این آگاهی و به کار بردن دقیق سبک رئالیستی درباره رمان فارسی، گاه دچار لغزش شده و «عناصر مکتب رئالیسم» را در رمان *خانه ادیسی‌ها* احصا کرده‌اند (همان: ۱۴۶) و در نهایت نیز از گرایش غزاله علیزاده به مکتب رئالیسم سخن به میان آورده‌اند (همان: ۱۵۸).

در این میان، در مقاله «روایت واقع‌گرا در آثار داستانی ابراهیم گلستان» به درستی اشاره شده است که از نوشتار واقع‌گرایانه در ایران نمی‌توان به‌عنوان مکتب یاد کرد، به این دلیل که رنالیسم در ایران نویسندگان پیش‌رو بیانیه و اصول مدوئی نداشته است (اکبری بیرق ۱۳۸۸: ۱۳). در ادامه، نویسنده پیش‌نهاد داده است، به جای نام‌بردن از مکتب رنالیسم در بافت زبان فارسی و تفسیر رمان‌ها بر اساس اصول رنالیسم، صرفاً به جست‌وجوی مایه‌های واقع‌گرایانه در معنای کلی و عمومی آن بسنده شود (همان: ۱۳). با وجود دریافت صحیح نویسنده در باب مکتب رنالیسم، پیش‌نهاد ایشان در باب اکتفا به احصای شواهد و مایه‌های رنالیستی از رمان فارسی جای تأمل و بازنگری جدی دارد. اگر نویسنده محترم بحث را بر تمایز معانی رنالیسم به‌عنوان سبک و مکتب ادبی استوار می‌کرد، در تبیین نظری دچار مشکل نمی‌شد و رنالیسم در ایران را به معنای سبک داستان‌نویسی پی می‌گرفت.

۵. نتیجه‌گیری

در مقالات رنالیسم‌پژوهی منتشرشده به زبان فارسی مباحث نظری رنالیسم چندان مطمح‌نظر نبوده و از میان انبوه پژوهش‌ها صرفاً سه مقاله به مباحث نظری اختصاص یافته‌اند. تطور رنالیسم در دوره‌های مختلف حیات اجتماعی و سیاسی ایران نیز اصلاً محل توجه نبوده و هیچ پژوهش مستقلی در این باب انجام نپذیرفته است. در این میان، در شمار کثیری از مقالات به بررسی اصول یا برخی از مؤلفه‌های رنالیستی در یک یا چند اثر پرداخته شده و عموماً در آن‌ها جنبه‌های فرمی و ساختاری بررسی شده است. اصطلاح رنالیسم بر تارک شمار گسترده‌ای از مقالاتی نشسته است که از اعمال مکانیکی اصول رنالیسم و استخراج مصادیق عناصر داستان فراتر نرفته‌اند. در این مقالات استفاده از اصطلاح رنالیسم سوییۀ تزینی دارد و جز موجه‌سازی کاربست قالب‌های کلیشه‌ای، که پژوهش رنالیستی را تا حد الگوی آموزشی برای تمرین نقد فروکاسته‌اند، کارکرد دیگری برای آن متصور نیست. از دیدگرسو، اصطلاح رنالیسم سرپوشی است بر بداهت یافته‌های توصیفی که در مواجهه نخستین از چشم مخاطب، در هر سطحی از دانش، پنهان نمی‌مانند. در این مقالات، پیوسته از مباحث بدیهی و مشهورات سخن گفته می‌شود، اما نه از پشتوانه‌های اندیشگانی مبانی رنالیسم سخن به میان می‌آید نه اصول رنالیستی به گونه‌ای دلالت‌مند تفسیر می‌شود. این دست مقالات نه پرتوی بر گوشه‌ای از متون بررسی‌شده می‌افکنند نه به شناخت و درک بهتر رنالیسم منتهی می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. گرانت دیمیان در کتاب *رنالیسم* مستنداتی سودمند از انعطاف‌پذیری و مهارناپذیری رنالیسم به‌دست داده است (۱۳۸۷: ۱۰-۱۵). تونی دیویس نیز، در کتاب *اومانیسم*، «واقع‌گرایی» را یکی از آن کلماتی توصیف می‌کند که «طیف معانی ممکن آن از دقت و سواس‌گونه تا ابهام گسترده متغیر است» (cited Pam 2005: 9).
۲. این تعداد مقاله از طریق جست‌وجو در سایت‌های نمایه‌ساز مقاله‌های علمی - پژوهشی استحصال شده است. ذکر قید تردید در متن بدین دلیل است که از یک سو به‌روزرسانی این سایت‌ها، در مقایسه با چاپ و انتشار این مقالات، معمولاً با اندکی تأخیر صورت می‌گیرد. بنابراین، احتمال دارد تعدادی از مقالات جدیدتر در این پژوهش گنجانده نشده باشد.
۳. یک مقاله با دو عنوان «بازتاب رنالیسم در اشعار لاهوتی» و «رنالیسم در اشعار لاهوتی» با تغییراتی اندک در دو نشریه متفاوت به قلم نویسندگان واحد منتشر شده است (بنگرید به رزاق‌پور و نوش‌آبادی ۱۳۹۲).
۴. بدیهی است که پاره‌ای از مطالب درباب هر مکتب یا نظریه ادبی ناظر به مشهوراتی است که به ارجاع نیاز ندارند، اما گاه طرح مطالب یا نحو نوشتار آن قدر نشان‌دار است که عدم ارجاع برای خواننده آشنا و متخصص یادآور متن پنهانی است که مطالب بدون ارجاع از آن نقل شده است. مثلاً، «رنالیسم در پی ارائه رونوشت از واقعیت نیست. توصیف و بازگفت واقعیت به‌شکلی که عیناً در جهان واقع اتفاق افتاده ...» (رنجبر و دیگران ۱۳۹۶: ۱۰۰). این نحو و سبک نوشتار عین جملات مقاله دیگری در حوزه رنالیسم است که جزو منابع این مقاله بوده است، اما در این فقره به آن ارجاع نداده‌اند (بنگرید به صادقی محسن‌آباد ۱۳۹۳: ۸۳).
۵. بدفهمی‌های نظری، که در میان مقالات فراگیر بوده، در متن مقاله به تفصیل بررسی شده است، اما بدفهمی‌های مصداقی نیز در پاره‌ای از مقالات قابل‌پی‌گیری است که فراگیر نبوده است. مثلاً، در یک مقاله «استناد به رسانه‌های خبری» جزو معیارهای رنالیسم قرار گرفته است: «استناد به روزنامه‌های وقت نقش به‌سزایی در واقعی جلوه‌دادن آثار داستانی دارد، زیرا بریده‌های جراید با کشاندن واقعیات اجتماعی به بطن رمان به واقع‌گرایی نوع رمان کمک شایانی می‌کند» (فتوحی، به‌نقل از رنجبر و دیگران ۱۳۹۶: ۱۰۱). درحالی نویسندگان به مقاله فتوحی استناد کرده‌اند که تحلیل فتوحی و صادقی نسبتی با برداشت نویسندگان این مقاله ندارد. فتوحی و صادقی تعامل و تداخل روزنامه‌نگاری با رمان‌های فارسی را طبق نظریه نظام‌های چندگانه توضیح داده‌اند و تحلیل آن‌ها با برداشت نگارنده این مقاله کاملاً متفاوت است.
۶. فروکاستن رنالیسم به اجتماعات منحصر به این مقالات نیست و در آثاری که در آن‌ها به بررسی تطبیقی آثار رنالیستی پرداخته شده نیز فراوان به چشم می‌خورد.

رنالیسم از مکتب ادبی تا بازتاب اجتماعی در ادبیات ... (هاشم صادقی محسن آباد) ۱۶۱

کتابنامه

اطهاری نیک‌عزم، مرضیه (۱۳۹۰)، «بررسی نشانه - معناساختی رنالیسم و تعامل میان ناظر و عنصر آگاه‌کننده در انسان و صدف، اثر پل والری»، *نقد زبان و ادبیات خارجی*، دوره ۴، ش ۷.
اکبری بیرق، حسن (۱۳۸۸)، «روایت واقع‌گرا در آثار داستانی ابراهیم گلستان»، *مجله تاریخ ادبیات*، ش ۶۲.

اویسی کهخا، عبدالعلی و طیبه فرهادی (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل داستان بند محمود دولت‌آبادی برپایه اصول مکتب رنالیسم»، *دو فصل‌نامه تخصصی مطالعات داستانی*، س ۳، ش ۴.
ایزنلو، امید و حسن عبداللهی (۱۳۹۲)، «واقع‌گرایی در داستان‌های مدیر مدرسه و زقاق‌المدق نجیب محفوظ»، *زبان و ادبیات عربی*، ش ۹.

آبشیرینی، اسد (۱۳۹۸)، «بررسی فرایند خلق معنای واقعیت در زبان نثر رئال - ناتورال چوبک با تکیه بر داستان چرا دریا طوفانی شده بود»، *نشریه زبان و ادبیات فارسی*، ش ۸۷.
بصری، محمداصداق، محمدرضا صرفی، و علی تقوی (۱۳۹۳)، «نقد و تحلیل رنالیسم در ادبیات داستانی ایران»، *پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت*، س ۳، ش ۱.

بهنام، مینا (۱۳۹۴)، «ره‌یافتی تطبیقی بر کاربرد زبان در دو مکتب رنالیسم و سوررنالیسم از ره‌گذر بررسی رمان سووشون و بوف کور»، *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا (س)*، س ۷، ش ۱۶.
بیکن، فرانسیس (۱۳۹۲)، *نوارغنون*، ترجمه محمود صناعی، تهران: جامی.

پارسا، سیداحمد، یوسف طاهری، و حسین صادقی (۱۳۸۹)، «روش علمی صادق هدایت در پردازش داستان‌های کوتاه رنالیستی»، *نشریه مطالعات داستانی*، س ۱، ش ۲.
پاشایی، محمد و ابوالفضل رضانی (۱۳۹۶)، «واکاوی مؤلفه‌های رنالیسم در آثار داستانی جمال‌زاده و آل‌احمد»، *زبان و ادبیات فارسی*، س ۷۰، ش ۲۳۵.

پاینده، حسین (۱۳۸۸)، «رمان رنالیستی یا سند اجتماعی؟ نگاهی به مدیر مدرسه آل‌احمد»، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، س ۱، ش ۲.

پاینده، حسین (۱۳۸۹)، *داستان کوتاه در ایران (داستان‌های رنالیستی و ناتورالیستی)*، تهران: نیلوفر.
پروینی، خلیل، مصیب قبادی، و حسن ذوالفقاری (۱۳۹۱)، «رنالیسم در سبک بنیان‌گذاران داستان‌نویسی عربی و فارسی (محمود تیمور و محمدعلی جمال‌زاده)»، *فصل‌نامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ش ۳، پیاپی ۱۱.

پورنامداریان، تقی و محمدمهدی ابراهیمی فخاری (۱۳۹۸)، «بررسی گذار از شخصیت‌پردازی رنالیستی به مدرنیستی در داش‌آکل صادق هدایت»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی*، س ۱۶، ش ۶۳.

- حدادی، محمدحسین و سمیرا رنجبر (۱۳۹۷)، «بررسی مقایسه‌ای شطرنج‌باز، اثر تسوایگ، و چشم‌هایش بزرگ علوی از منظر رئالیسم»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۳، ش ۲.
- حسن‌زاده میرعلی، عبدالله (۱۳۸۴)، «مقایسه تحلیلی رمان‌های ناتوریالیستی نانا و رئالیستی باباگوریو»، دوفصل‌نامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، ش ۴.
- حیدری، محمود و علی‌اکبر حاتمی تل‌مارانی (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی مبانی رئالیسم در رمان النهایات، اثر عبدالرحمان منیف، و اوسنه باباسیجان، اثر محمود دولت‌آبادی»، ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۶، ش ۴.
- حیدری، مهدی و شهلا قرایی (۱۳۹۸)، «تحلیل و بررسی نقش رئالیسم در جامعه ادبی ایران و فرانسه با مطالعه تطبیقی رمان‌های دهقانان، اثر بالزاک، و نهرین زمین، اثر جلال آل احمد»، نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره ۲، ش ۲، پیاپی ۳.
- خاتمی، احمد و علی تقوی (۱۳۸۵)، «مبانی و ساختار رئالیسم در ادبیات داستانی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۶.
- دیمیان، گرانت (۱۳۸۷)، رئالیسم، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- رادفر، ابوالقاسم و عبدالله حسن‌زاده میرعلی (۱۳۸۳)، «نقد و تحلیل وجوه تمایز و تشابه اصول کاربردی مکتب‌های ادبی رئالیسم و ناتوریالیسم»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، ش ۳.
- رزاق‌پور، مرتضی و سمیه نوش‌آبادی (۱۳۹۱)، «بازتاب رئالیسم در اشعار ایرج‌میرزا»، مجله علمی و پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی فسا، س ۳، ش ۳، پیاپی ۷.
- رزاق‌پور، مرتضی و سمیه نوش‌آبادی (۱۳۹۲)، «بازتاب رئالیسم در اشعار لاهوتی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، س ۵، ش ۱۴.
- رزاق‌پور، مرتضی و سمیه نوش‌آبادی (۱۳۹۲)، «رئالیسم در اشعار لاهوتی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ش ۱۲.
- رضایی، احمد و الهه رستمی (۱۳۹۱)، «بررسی و مقایسه رئالیسم در عناصر داستانی دوستی خاله‌خرسۀ جمال‌زاده و زار صفر رسول پرویزی»، فصل‌نامه تخصصی مطالعات داستانی، س ۱، ش ۲.
- رضوانی، پروانه، رضا فرصتی جویباری، حسین پارسایی، و مهرعلی یزدان‌پناه (۱۳۹۵)، «فرخی یزدی، منادی رئالیسم انقلابی در عصر مشروطه»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ش ۳، پیاپی ۲۴.
- رنجبر، ابراهیم (۱۳۹۳)، «بررسی جنبه‌های رئالیستی رمان جزیره سرگردانی»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، س ۱۱، ش ۴۳.

رنالیسم از مکتب ادبی تا بازتاب اجتماعیات ... (هاشم صادقی محسن آباد) ۱۶۳

- رنجبر، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۶)، «تحلیل جلوه‌های رنالیسم در رمان شراب خام»، نشریه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز، س ۷۰، ش ۲۳۶.
- رونقی نوتاش، مهناز و علی‌اکبر فرهنگی (۱۳۹۰)، «از رنالیسم تا مدرنیسم؛ انبوه انسان تنها در رمان‌های معاصر فارسی با تکیه بر ارتباطات انسانی»، مطالعات رسانه‌ای، س ۶، ش ۱۲.
- زینالی، پروین (۱۳۹۷)، «رنالیسم سوسیالیستی در دو رمان همسایه‌ها و داستان یک شهر احمد محمود»، زبان و ادب فارسی، س ۱۰، ش ۳۷.
- سالمیان، غلام‌رضا، سیدمحمد آرتا، و دنیا حیدری (۱۳۹۲)، «بازتاب مؤلفه‌های مکتب رنالیسم در رمان شوهر آهونخام»، فصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی، س ۲۱، ش ۷۵.
- صادقی شهپر، رضا و صفورا شفاپی (۱۳۹۲)، «جلال آل‌احمد و نقض اصول رنالیسم در داستان‌نویسی»، زبان و ادب فارسی، س ۵، ش ۱۷.
- صادقی محسن آباد، هاشم (۱۳۹۳)، «تأملی در اصول و بنیادهای نظری رنالیسم در ادبیات»، فصل‌نامه نقد ادبی، س ۷، ش ۲۵.
- صادقی محسن آباد، هاشم (۱۳۹۹)، «راوی مداخله‌گر نخستین رمان‌های فارسی؛ چالش واقع‌گرایی»، فصل‌نامه نقد ادبی، س ۱۳، ش ۵۲.
- علوی، فریده (۱۳۸۲)، «پژوهشی در سیر رنالیسم داستانی: از شارل سورل تا نیکلا رتیف»، نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان، ش ۱۴.
- فرضی، حمیدرضا و رستم امانی آستمال (۱۳۹۱)، «بازتاب رنالیسم در رمان خانه‌دریسی‌ها»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ش ۹.
- قزل‌سفلی، محمدتقی (۱۳۸۸)، «زیبایی‌شناسی و سیاست؛ بازتاب سیاست در رویکرد رئالیستی به هنر»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۵، ش ۱.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۸۰)، تاریخ فلسفه، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتوبی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کریمی مطهر، جان‌الله و ناهید اکبرزاده (۱۳۹۲)، «بازتاب رنالیسم انتقادی روسیه در ادبیات فارسی معاصر، مطالعه موردی: وکلای مرفعه اثر میرزا فتح‌علی آخوندزاده»، ادب فارسی، دوره ۳، ش ۱، پیاپی ۱.
- کوچکیان، طاهره و خاور قربانی (۱۳۸۹)، «بازتاب اجتماع و رنالیسم سوسیالیستی در سال‌های ابری، اثر علی‌اشرف درویشیان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، س ۵۳، ش ۲۲۰.
- کیومرثی جرتوده، محمد (۱۳۸۹)، «بررسی نهضت رنالیسم در داستان‌های کوتاه فارسی و اردو (نگاه اجمالی و مقایسه‌ای)»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، ش ۵۹.
- مجیدی، حسن و طاهره رستمی (۱۳۹۲)، «تحلیل و بررسی ویژگی‌های رنالیسم در داستان زقاق الملق نجیب محفوظ»، فصل‌نامه تخصصی مطالعات داستانی، س ۱، ش ۳.

- مرادی، کبری و طیبه سیفی (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی رئالیسم انتقادی در داستان‌های مصطفی لطفی منفلوطی و محمدعلی جمال‌زاده»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۷، ش ۴.
- مسبوق، سیدمهدی، شهرام دلشاد، و حمید آقاجانی (۱۳۹۶)، «درآمدی تطبیقی بر شاخصه‌های رئالیسم در آثار غلام‌حسین ساعدی و طیب صالح (مطالعه موردی داستان گاو و دومه ود حامد)»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، س ۷، ش ۲۶.
- ممتحن، مهدی و ایران لک (۱۳۹۲)، «تحلیل تطبیقی دو مکتب واقع‌گرایی و نمادگرایی در آثار نجیب محفوظ و احمد محمود»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی-فارسی)، س ۳، ش ۱۲.
- مهدی‌پور، علی‌رضا (۱۳۹۰)، «بررسی حکایت ناتمام آشنزباشی، اثر جفری چاسر، از منظر رئالیسم»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، ش ۶۲.
- مهری بیگدیلو، ایمان، ابراهیم رنجبر، و خدابخش اسداللهی (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های رئالیسم در اسیر زمان»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، س ۱۴، ش ۵۶.
- نظری، نجمه و مهناز محمدلو (۱۳۹۴)، «ردپای رئالیسم در به کی سلام کنیم؟»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ش ۲۱.
- نیک‌جوی تبریزی، راحله (۱۳۹۵)، «واقع‌گرایی در جریان شعر نو (نیمایی)»، پژوهش ادبیات معاصر جهان، دوره ۲۱، ش ۲.
- وات، ایان (۱۳۸۶)، «طلوع رمان»، در: نظریه‌های رمان، ترجمه حسین پاینده، تهران: نیلوفر.
- ولی‌زاده، حمید، علی خالقی، و مهدی رضانی (۱۳۹۲)، «بررسی و مقایسه رویکردهای واقع‌گرایانه طلابه‌داران داستان کوتاه فارسی و عربی (یوسف ادريس و جمال‌زاده)»، مجله زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد فسا، س ۴، ش ۲، پیاپی ۹.

- Aczel, Richard (1998), "Hearing Voices in Narrative Texts", *New Literary History*, vol. 29, no. 3.
- Coward, Rosalind and John Ellis (2000), "From Language and Materialism: Developments in Semiology and the Theory of the Subject", in: *Theory of the Novel: A Historical Approach*, Michael McKeon (ed.), Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- Levin, Harry (1963), *The Gates of Horn: A Study of Five French Realists*, New York and Oxford: Oxford University Press.
- Pam, Morris (2005), *Realism*, London: Taylor and Francis Routledge.
- Schehr, Lawrence R. (2009), *Subversion of Verisimilitude: Reading Narrative from Balzac to Sartre*, New York: Fordham University Press.
- Wellek, Rene (1969), "The Concept of Realism in Literary Scholarship", *Neophilologus*, vol. 45, no. 1.